

قباله‌ای از سال ۹۹۵

ضمن گردآوری اسناد خاندان بیگدلی چندین قباله به دست آمد و از آن جمله است قباله‌ای که در تاریخ ربیع‌الثانی سال ۹۹۵ هجری قمری تنظیم یافته و از لحاظ قدمت تاریخ، مضمون و مطالب و استحکام کلام و زیبایی انشا و غیره ممتاز است. اینک متن آن درینجا به چاپ می‌رسد.*

بسم الله تیمنا و تبرکا بذکر من جری بامرہ القلم.

لطایف حمدی که مزارع جان اهل ایمان از زلال سحاب افضال آن ربان [و] سیراب گردد و صحایف شگری که اراضی قلوب اصحاب ایقان از قطرات امطار آن سرسبز و شاداب شود مالک‌الملکی را سزاست که ملک بی‌زوالش از سمت شریک و انباز معراست و سلطنت لایزالش از وصمت امیر و وزیر معرا، شعر:

آنجا که کمال کبریای تو بود عالم نمی از بحر عطای تو بود
ما را چه حد حمد و ثنای تو بود هم حمد و ثنای تو سزای تو بود

و تحف تحیات زاکیات روح مقدس و مرقد مؤسس صاحب خطاب لولاک باعث بر آفرینش انجم و افلاک صدر نشین بارگاه نبوت و رسالت و صاحب تمکین مسند فتوت و جلالت. شعر:

چراغ افروز بزم اهل بینش طراز کارگاه آفرینش
سریر عرش را نعلین او تاج امین وحی و صاحب سر معراج

صلوات الله و سلامه علیه و آله اجمعین خصوصاً بر شیر بیشه ولایت و امامت، دلیر معركة شجاعت و جلالت، مشرف بخطاب انت منی بمنزلة هرون من موسی.

شاه عربی سید اشراف سلف داماد نبی جامع اسباب شرف
یعنی که امیر نجل سلطان نجف دری که چو او نبود در هیچ صدف

و بعد داعی بز تسطیر این خطاب مستطاب آنست که حاضر شد در دیوان الصدارة العلیة العالیة المنصوریة الانجویة، دولتمآب، عزت قباب، عمدة الاقران والاشباه خواجه قرداش بن المرحوم خواجه نظر قوشچی (مهر گرد محرر قباله بامتن: لاله‌علی‌الله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله عبده حسن‌الامامی).

در حاشیه مهر پنج گوشه بزرگ باسجع زیر:

هو الولی

ثبت فی جریة المحكمة العلیة العالیة للمالک المحروسه والساکر المنصوره

در جزینی و اعتراف معتبر صحیح شرعی نمود بالطبع والرغبة والاختیار بآنکه فروخته بعقد معتبر صحیح شرعی و بیعی دینی بحضرت امارت و حکومت پناه، رفعت و عظمت دستگاه، عمدة الاعظم بین الانام، الغنی ذاته عن التعریف کلاماً للآمال والرفعة والعزرة والدين موسى سلطان بن مرحمت مآب، دفعت قباب عمدة الاعظم فی اوانه سارو آقای بیگدلو و حضرت مومی الیه خرید از حاجی الحرمین الشریفین حاجی قرداش مزبور همگی سه دانگ و نیم مشاع از کل شش دانگ محل و موضع و مکان تو بچیلی گون من اعمال الکاء درجزین مستغنی از ذکر حدود و اوصاف لانفراد الاسم فی المحل، با همه توابع و مزارع و لواحق و اراضی و صحاری و باغات و کافه حقوق شرعیه بقدر الحصة المسفورة سیما قنوات و جداول و عیون به ثمن چهل و یکتومان تبریزی فسی مجدد بتواریخ مختلفه بموجب وجوه تحمیلات علیحده برینموجب و سیما عقد مبايعه صحیحه شرعیه جاری و واقع شد:

که بتاریخ عاشر شهر جمیدی الثانی من شهر
سنه ثلث و ثمانین و تستعمائه از مومی الیه
خریده یکدانگ و نیم قیمتاً
(هفده تومان.)

که بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه تسعین و تسعمائه
خریده یکدانگ قیمتاً
(چهارده تومان.)

که بتاریخ ۱۹ شهر ربیع الثانی سنه ۹۹۵*
خریده قیمتاً، ایضاً یکدانگ دیگر آن.
(ده تومان.)

مشمول بر جمیع شرایط و ارکان معین حالیه از مفساد و بطلان و اسقاط خیارات موجبہ
فسخ بیع مزبور نمود با بیع مومی الیه سیما خیار غبن ولو کان فاحشاً اسقاطاً شرعياً و
ضامن درک شد با بیع مومی الیه عیناً و منفعة عند خروج المبیع مستحقاً للغير زماناً
شرعياً و معترف شد با بیع مزبور بوصول کل ثمن موصوف منعوت من خالص ماله المشتري
المومی الیه وصولاً شرعياً دینياً و الیوم تمامی مبیع مزبور با توابع مسطوره حق و ملک
حضرت امارت پناه مومی الیه است. کسائر املاکه الطلقه المستمره المستقره و مرور است
در آن تصرف مالکانه کتصرف المالك فی املاکهم کیف شاء و اراد.

و ایضاً معترف شد حاجی با بیع مشارالیه بصفحة مبايعه مزبور و شرعیه آن و بآنکه
مبیع مزبور وقف و مرهون نیست و حق غیرى بدان متعلق نیست و بعد از علم بکمیت و
کیفیت مبیع مزبور از و صادر شده و اگر بعد ازین مومی الیه یا احدی از قبل او کان و کیلا
او وارثاً بخلاف مسطوره و نقیض مسطور دعوی نماید آن دعوی باطل خواهد بود و حرر
ذلک فی تاسع عشر شهر ربیع الثانی من شهر سنه خمس و تسعین و تسعمائه هجریه
النبوئیة صلی الله علیه و آله وسلم .

توبه
کتاب
الحاکم
معمود

ملک فیما الشانیت شکر فانه امر و سلط الا ان الشانیت امر و سلط

عالم
نمی
از
عظای
تو بود

عالم نمی از بحر عظای تو بود ما ما چه چه عوای تو بود

نویس
صاحب
مکتب
صاحب

من صاحب خطاب لولا که ما شرف آفرینش انحراف اندک صد در زمین با کار و بر سر



دانش
مکتب
صاحب
مکتب

جلالت حجاج افروزیل پیش طراز کار کاوش سر سرش انقلب و تاج اس

تعبیر
صاحب
مکتب
صاحب

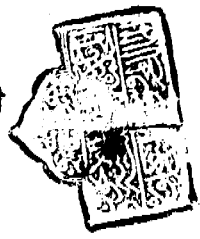
وسلامه لولا که خصم صفا بر شریک و لایب و اوست دلیر که شجاعت جلالت

عربی
مکتب
صاحب
مکتب

عربی مکتب صاحب عربی سید اشرف داماد بی جامع استیاض لغوی که اسکا

العالم
المکتب
صاحب
مکتب

دریغ نیست و اعجب در ادعای بر سر این خطبه است که خطبه است



توضیح
در
موضوع
این
کتاب

طی
مجلس
مجلس

والله
اعلم
بالتوفيق

مجلس
مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

المصنوعه كالجويدر ولما عرفت قباب عمدة القرآن

در جزین و اعتراف صحیح شرعی بنده الطوع و طرد و الاختیار المکرر

و بی دینی بحسب الامر و حکم رساله و عظمی استکراه عمده لاعطای امری

والغیره بالامر منسی سلطان من جملة من معمر و اول عمده اعظمه اذا تراه

ان حاجی المبرور الخیر حاجی فردا ش فرید محمدی سید ملک و غیره

سرمال کارد در جزین مستغنی از ذکر حدود و انصاف الانفرادی

و صحاحی و سماعا و کما حقوق عمده الخیر من ساقوات جداول عیون

محدثی سماعی و صحاحی و سماعا و کما حقوق عمده الخیر من ساقوات جداول عیون

این
کتاب
مجلس

کتاب
مجلس

نوع عام بر همه اشیاء
سید و بر و شمار
خوبه بود آنکه هم قیمتا

نوع بر همه اشیاء که در دنیا
خوبه بود آنکه قیمتا

نوع ۱۹ بر همه اشیاء
خوبه قیمتا
لعناکه که بکران

لوعع لوعع لوعع

مخرج

مشتمل بر جمع شرایط و ارکان هر حاله از نه فاسد و طلال و اسقاطها

بایع

بایع میگوید که ما خیار و کفایت و احاطه اسقاطا بر عیبا و ضایعات

بایع

عینا و شفعه غدا و خروج اسب صحفا للعرضا اشرفا و مرفوعا لایع در دنیا

بایع

منقوله من خالصه المشتري المالك و هو الاشرافا و المرفوعا و المرفوعا

بایع

حصصه المرفوعه من خالصه المشتري المالك و هو الاشرافا و المرفوعا و المرفوعا

بایع

المالك في املاكه من كيف بناء و اراي و ايضا من سلعها و مخرجها

بایع

بایع

کفایت
و اعلم
و اعلم
و اعلم

و شرع آن و آنکه مع مره وقف و مره نیت و غری بدان مشغول

مطابق
او و اما
و کلاً

بج مهران و صادر شده و اگر بعد از مره می باشد از قبل اذکار

عشر
باسع

و بعضی طرد دعوی آید آن دعوی باطل خواهد بود و حرم در ملک

کتاب
تفسیر
و شرح
و تفسیر
و تفسیر

اسلم
و اعلم
و اعلم

باسع المال من شهر حسن و حسن و حسن و حسن

و اعلم
و اعلم
و اعلم

و اعلم
و اعلم
و اعلم

و اعلم
و اعلم
و اعلم

و اعلم
و اعلم
و اعلم

و اعلم
و اعلم
و اعلم

پرتال جامع علوم انسانی

ماهر ناصر
تاسع درسی